



جنبش توده‌ای چشم انتظار حضور سیاسی طبقه کارگر

برمتن شرایط انقلابی و انفجاری جامعه و بر زمینه‌ی یک رشته اعتصابات و اعتراضات رو به گسترش کارگران و زحمتکشان، بار دیگر شعله‌ی مبارزات گسترده توده‌ای از درون تشدید تضادهای لاینحل جامعه سر برافراشت و ده‌ها شهر را در سراسر کشور به درون خود کشید. بعد از فروکش جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی، اکنون موج جدیدی از جنبش‌های سیاسی سراسر کشور را در بر گرفته و به رغم توسل رژیم به قهر و سرکوب و بازداشت و خنونت، بیش از یک هفته ادامه یافته است. جنبش سیاسی و اعتراضی جاری یک بار دیگر نشان داد که جامعه نیازمند تغییر و دگرگونی است و تا این دگرگونی بنیادی رخ ندهد، جامعه نیز آرام نخواهد گرفت. جنبش توده‌ای اخیر گرچه توسط جمعی از کسبه و در ارتباط با معضلات و فشارهای اقتصادی و معیشتی تلمبارشده بر دوش توده‌های زحمتکش مردم آغاز شد، اما از همان لحظات اول یک جنبش سیاسی بود و در شعارهایی چون مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی، نوک تیز حمله خود را متوجه رژیم سیاسی حاکم نمود و آشکارا نشان داد که طرف حساب آن، تمام نظم موجود است. جنبش سیاسی و اعتراضی توده‌ای زمانی کلید خورد که اعتصابات متعدد کارگری و تجمعات اعتراضی اقشار گوناگون جامعه نیز جریان داشت. نه فقط در روزهای قبل از آغاز جنبش توده‌ای در ۷ دی، بلکه در همان روز ۷ دی و نیز در روزهای بعد که جنبش توده‌ای ابعاد وسیع‌تری به خود گرفت چنین اعتصابات و تجمعاتی جاری بود. اشاره به این واقعیت از آنرو مهم است که ما پیش از این در اوج گیری جنبش‌های توده‌ای و سراسری، شاهد افت و تنزل

در صفحه ۲

دستگیری و کشتار مردم معترض

محکوم به شکست است

در صفحه ۳

پیروز باد مبارزات قهرمانانه مردم ستم‌دیده ایران

در صفحه ۵

"فقر، فساد، گرونی، می‌ریم تا سرنگونی"

و جنبش آزادی‌خواهانه «زن، زندگی، آزادی» تجلی یافت. ادامه فوران خشمی شعله ور علیه سرکوب و اختناق، گرانی و بیکاری‌ست، عصبانیت در مقابل افزایش ساعت به ساعت تورم، علیه لجام گسیختگی دلار و بالا رفتن هزینه های سرسام آوریست که طی سالیان متمادی بر شانه‌های زخمی توده های مردم ایران آوار شده است. فریادی برخاسته از اعماق علیه

در صفحه ۴

«مرگ بر دیکتاتور»

یا محو دیکتاتوری طبقه حاکم ستمگر!

در صفحه ۶

سالی پر از آشوب، بحران‌ها و تضادهای لاینحل

تورمی گرفتار ماندند. بخش بزرگی از کشورهای سرمایه‌داری به‌ویژه در پیشرفته‌ترین آن‌ها، با بحران رکود- تورمی روبه‌رو بودند. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو اتحادیه اروپا عموماً کاهش یافت. این نرخ رشد برای آلمان ۰/۳ درصد، فرانسه ۰/۸ درصد، ایتالیا ۰/۵ درصد، انگلیس ۴/۱ درصد، مجموع کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۱/۷ درصد، ژاپن ۱ درصد، ایالات‌متحده آمریکا ۲ درصد اعلام شد. تورم

در صفحه ۷

جهان سرمایه‌داری فرتوت با تمام فجایع و عواقب هولناکش برای کارگران و توده‌های ستم‌دیده مردم جهان، یک سال دیگر را پشت سر گذاشت و وارد سال ۲۰۲۶ شد. در سالی که گذشت، انفجار تضادهای نظم سرمایه‌داری و بحران‌های متعدد در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به اشکال مختلف خود را در مناطق و کشورهای جهان نشان دادند. پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری جهان همچنان در چنگال بحران ساختاری رکود-

سیاست، همان سیاست است

تنها فرد دیگری بر صندلی نشست

در پی کاهش شدید ارزش ریال و بالا رفتن بهای ارزهای خارجی مانند دلار که تا ۱۴۴ هزار تومان افزایش یافت، و همزمانی آن با موج جدیدی از خیزش توده‌های جان به لب رسیده که این‌بار از اعتصاب و تظاهرات بازاریان و کسبه تهران آغاز گردید و در کف خیابان توده‌ای شد، فرزین رئیس کل بانک مرکزی جای خود را به همتی داد. فردی که پیش‌تر دو بار، یک بار در کسوت رئیس کل بانک مرکزی و یک بار در کسوت وزیر اقتصاد دقیقاً به دلیل افزایش شدید تورم و بالا رفتن بهای دلار از کار برکنار شده بود.

او البته همان‌طور که روش همی مقامات دولتی در دادن وعده‌های توخالی است، با وعده کنترل تورم و نرخ ارز و بازگرداندن ثبات به بازار سرمایه بر کرسی ریاست بانک مرکزی نشست. فاطمه مهاجرانی

در صفحه ۱۰

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در همبستگی با

مبارزات توده‌های مردم ایران

زنده باد مبارزه علیه فقر و گرانی و تورم، پیش بسوی انقلاب

در صفحه ۸

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

جنبش توده‌ای چشم انتظار حضور سیاسی طبقه کارگر

اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگران و زحمتکشان بودیم. اما شواهد عینی تا این لحظه نشان می‌دهد که این معادله تا حدودی به هم خورده است.

در روزهای هفته اول دی ماه و قبل از آغاز جنبش وسیع توده‌ای ما شاهد اعتصابات و تجمعات اعتراضی متعدد کارگران و زحمتکشان بودیم که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛ اعتصاب و تجمع کارگران ابنیه فنی راه آهن، کارگران شرکت پارامیس طراحان پتروپالایش کنگان، کارگران و کارکنان پتروشیمی تخت‌جمشید، نفت و گاز اروندان، پرسنل رسمی شرکت نفت فلات قاره، لاوان، خارک، سیری، کارگران پروژه‌ای قطار شهری اسلام آباد، کامیون داران و رانندگان سازه، کادر درمان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز و برخی واحد های دیگر. در همان روزی که جنبش اعتراضی وسیع توده‌ای آغاز شد، کارکنان بهزیستی در چند شهر از جمله بهبهان، شیراز و رشت، کارگران پتروپالایش کنگان، کارگران جدید استخدامی در پالایشگاه هفتم پارس جنوبی و بازنشستگان مخابرات در چندین شهر دست به اعتراض و اعتصاب زده بودند. اعتصاب ۳۵۰ کارگر کارخانه قند خاورمیانه شوش، هشتمین روز خود را پشت سر می‌گذاشت و به رغم احضار و بازداشت چند تن از فعالان، اعتصاب ادامه داشت. ۴۰۰ کارگر معدن طلای زرشوران که بزرگترین معدن طلای کشور است در پانزدهمین روز اعتصاب خود بودند و با شعار "تولید طلا عالیه، سفره ما خالیه" و "کارگر بیدار است، از تبعیض بیزار است"، بعد از آغاز امواج توفنده مبارزات توده‌ای نیز به اعتصاب ادامه دادند. افزون بر این، کارگران در برخی واحدهای دیگر از نمونه کارگران ارکان ثالث پالایشگاه گاز فجر، کارگران کارخانجات تراورس اندیمشک در چهارمین روز اعتراضات وسیع توده‌ای (دهم دیماه) دست به اعتصاب و تجمع زدند. در تمام این دوره، تجمعات اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی، فرهنگی، مخابرات، نفت، فولاد و معدن نیز عمده‌تاً به صورت روتین و هفتگی ادامه داشته است. صرف نظر از اعتصابات و تجمعات اعتراضی فزاینده از اول سال جاری تا کنون، موضوع مهم و قابل توجه این است که این اعتصابات و اعتراضات چه در ۷ دی آغاز انفجار اجتماعی، چه قبل و چه بعد از آن ادامه یافته است. به عبارت دیگر، دست کم تا این لحظه، آن معادله قبلی که با اوج یکی، دیگری فروکش می‌کرد تا حدودی به هم خورده است.

نکته بسیار مهم دیگری که در جنبش سیاسی اخیر از برجستگی خاصی برخوردار شده، حمایت سریع و گسترده دانشجویان و حضور پررنگ آنان در عرصه مبارزه سیاسی، در کنار مردم و اتحاد و همبستگی با جنبش سیاسی سراسری است. تقریباً تمام دانشگاه‌های بزرگ و مهم تهران و برخی استان‌ها از همان لحظه و روز اول، با تجمع و راه پیمایی و سردادن شعارهای بی استثناء سیاسی، در کنار جنبش توده‌ای سراسری قرار گرفته و از آن حمایت کردند.

صدای اعتراض جنبش دانشجویی علیه ظلم و استبداد و نابرابری در امتزاج با شعار های توده‌ای، یکبار دیگر در گستره تمام کشور طنین انداز شد. دانشجو بار دیگر با شعارهایی چون "مرگ بر دیکتاتور" و "نه پهلوی، نه رهبری، آزادی و برابری" در میدان عمل با جنبش سیاسی وسیع توده‌ای پیوند خورد.

این اما هنوز تمام ماجرا نیست. نقاط قوت جنبش سیاسی اخیر به این خلاصه نمی‌شود. در جنبش توده‌ای اخیر ما شاهد صدور و انتشار گسترده بیانیه‌های حمایتی هستیم. حامیان جنبش در برخی موارد صرفاً به انتشار بیانیه اکتفا نکرده، بلکه تا مرحله فراخوان برای همراهی عملی با اعتراضات گسترده توده‌ای نیز جلو آمده‌اند که در جنبش‌های قبلی اگر نگوییم بی سابقه، کم سابقه است. در این جا برای جلوگیری از بلند شدن مطلب، تنها به ذکر اسامی تشکلهای صادر کننده بیانیه حمایتی اکتفا می‌شود. از جمله تشکلهای که با صدور و انتشار بیانیه از جنبش سیاسی وسیع توده‌ای حمایت کرده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران، اتحادیه تشکلهای کامیون‌داران و رانندگان سراسر ایران، بیانیه مشترک چهار تشکل شامل "سندیکای کارگران هف تپه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های مستقل کارگری، کارگران بازنشسته خوزستان، گروه اتحاد بازنشستگان"، بیانیه مشترک فعالان دانشجویی دانشگاه‌های تهران، بهشتی، علامه، علم و صنعت، تربیت مدرس، بیانیه معلمان خوزستان، بازنشستگان متحد تهرانی، بازنشستگان مطالبه گر کرمانشاه، انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه، کانون فرهنگیان اسلامشهر، انجمن صنفی معلمان فارس، کانون صنفی فرهنگیان استان مازندران، کانون صنفی معلمان استان بوشهر و ...

صرف نظر از انتشار گسترده بیانیه‌های حمایتی، برخی از این بیانیه‌ها، خود، شکل فراخوان برای ورود به صحنه مبارزه گرفته‌اند. بیانیه معلمان خوزستان که به امضای بیش از ۱۰۰ نفر رسیده است با عنوان "فراخوان برای همراهی با اعتراضات مردمی" انتشار یافت و فرهنگیان را به "برخاستن" علیه وضع موجود دعوت نمود. امروز لحظه برخاستن است، من اگر برخیزم، تو اگر برخیزی، همه بر می‌خیزند."

در بیانیه مشترک فعالان دانشجویی نیز که بسیار به موقع و بجا انتشار یافت و قطعاً در خنثی سازی دروغ بافی‌ها و تبلیغات اپوزیسیون بورژوازی نقش مهمی دارد، ضمن اعتراض شدید نسبت به سیاست‌های وزارت علوم، پلی سازی آموزش و حذف خدمات رفاهی، چنین قید شده است که جنبش دانشجویی در برابر استبداد ایستاده و "چه در پهلوی چه در ولایت اسلامی، از آزمون آزادی‌خواهی و برابری طلبی سر بلند بیرون آمده است." بیانیه بر شعار مرگ بر دیکتاتور، "نه پهلوی نه رهبری، آزادی و برابری" و نیز بر "همبستگی آحاد ملت در مقابل جمهوری اسلامی، سلطنت پهلوی و مجاهدین خلق" تاکید نموده و نوشته است؛ هنگام عمل است، باید بپا خیزیم و

سرنوشتان را به دست خویش بنویسیم". اینکه در جنبش دانشجویی چنین شفاف و صریح با اپوزیسیون بورژوازی مرزبندی شده است، اینکه این جنبش بلادرنگ به حمایت همه جانبه از جنبش سیاسی توده‌ای برخاسته و در عمل با آن پیوند خورده است، نکته بسیار مثبتی است. حمایت گسترده افشار و تشکلهای گوناگون از جنبش توده‌ای و انتشار بیانیه های متعدد در حمایت و همبستگی با این جنبش، گاه حتی فراخوان به اعتراض میدانی در همراهی با آن، این نیز قطعاً نکته مثبت و از نقاط قوت جنبش اخیر است.

اینکه اعتصابات کارگری و تجمعات اعتراضی افشار زحمتکش جامعه قبل از آغاز جنبش اخیر و در جریان آن نیز همچنان برقرار بوده و ادامه یافته این نیز مثبت است. تمام این رخدادها و فاکتورها گرچه بسیار مثبت و تقویت کننده جنبش سیاسی توده‌ای است، اما برای سرنگونی و دگرگونی بنیادی نظم موجود و استقرار یک حکومت شورایی و رهایی‌بخش کافی نیست. دامنه اعتراضات هنوز نه به قدر کافی، حتی به قدر لازم گسترش نیافته است. میلیون‌ها کارگر و زحمتکش هنوز وارد صحنه مبارزه سیاسی نشده‌اند. مبارزات و اعتصابات کارگری نیز هنوز از مرحله صنفی و اقتصادی فراتر نرفته و این مبارزات در کلیت خود از شرایط سیاسی جامعه عقب‌تر است. به رغم اینکه وظایف سنگینی بردوش طبقه کارگر قرار گرفته است، اما سطح مبارزه این طبقه هنوز با موقعیتی که طبقه کارگر بتواند این وظیفه را عملی سازد، فاصله دارد.

در همین حال، جامعه در شرایط حساس و لحظات سرنوشت‌سازی قرار گرفته و به صد زبان طبقه کارگر را به حضور سیاسی و متشکل در صحنه فرا می‌خواند تا گره بزرگ چند ده ساله را به دست خود باز کند و جامعه را از سلطه استبداد و نابرابری، از فقر، بدبختی، تنگدستی و تباهی برهاند. طبقه کارگر نمی‌تواند در قبال تحولات جاری جامعه بی‌تفاوت باشد و حضور مؤثر آن در گرو تعویض ریل مبارزه صنفی به سیاسی است. به‌ویژه اینکه تمامی تجارب و واقعیت‌های مبارزه در چهارده گذشته حاکی است که حتی مطالبات صنفی و اقتصادی کارگران نیز محقق نشده و اوضاع اقتصادی و معیشتی کارگران مدام بدتر و وخیم‌تر شده است. شواهد همچنین گویای این واقعیت است که مبارزه صرفاً صنفی که امروز دولت حاکم و تشکلهای دست‌ساز آن سعی دارند مبارزات و مطالبات طبقه کارگر را در همین چارچوب‌ها محدود و مقید سازند، به جایی نمی‌رسد. باید این چارچوب‌ها و محدودیت‌های تحمیلی را درهم شکست. ضرورت مبارزه سیاسی و متشکل که در موضوع‌گیری‌ها و بیانیه های مهم تشکلهای کارگری از نخستین ماه های سال جاری مدام بر آن تاکید شده، بسیار مهم است، اما این نیز به تنهایی کافی نیست. بسیار مهم است از این بابت که رشد نسبی آگاهی سیاسی را در درون طبقه کارگر به نمایش می‌گذارد و ناکافی است، از این جهت که این موضع گیری‌ها و آگاهی سیاسی نسبی هنوز به یک مبارزه سیاسی منجر نشده است.

اکنون وقت آن است که نیروی عظیم کارگران و



دستگیری و کشتار مردم معارض محکوم به شکست است

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز ایران!

موج اعتراضاتی که از روز یکشنبه هفتم دیماه با ترکیبی از اعتراضات کسبه و مردم از بازار بزرگ تهران شروع شد، هم اینک در پنجمین روز مبارزاتی خود با شعار «مرگ بر دیکتاتور» و «زنده باد آزادی» در بسیاری از شهرهای ایران طنین انداز است. رژیم ارتجاعی و ستمگر جمهوری اسلامی در روزهای نخست این اعتراضات توده ای، سعی کرد با وعده های کذایی، مردم ستمدیده و بپا خاسته را آرام و آنان را به خانه هایشان بازگرداند. اما هم اینکه اعتراضات مردمی گسترش یافت، همینکه شهرها یکی یکی به اعتراضات توده ای برخاستند، نخست به بازداشت گسترده نیروهای مبارز و آزادیخواه روی آورد، وقتی دستگیری معترضان نیز برایش کفایت نکرد با توسل به سلاح گرم، سرکوب و کشتار مردم معترض را آغاز کرده است.

بر اساس اخبار منتشره، نیروهای وحشی و جنایتکار جمهوری اسلامی طی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه دست کم در شهرهای فسا، کوهدشت، لردگان، مرودشت، ازنا، لرستان و گنار فارس با یورش به صفوف مردم معترض و شلیک مستقیم به جوانان مبارز و آزادیخواه تعدادی از آنان را کشته، عده ای را مجروح و تعداد بسیاری را بازداشت کرده اند. داریوش انصاری بختیاری از جمله جوان معترض فولادشهر اصفهان است که شامگاه روز چهارشنبه بر اثر شلیک مستقیم نیروهای آدمکش جمهوری اسلامی جان خود را از دست داد. روز پنجشنبه نیز خبرهای منتشره از رسانه های ایران حاکی از آن است که مزدوران رژیم با شلیک مستقیم به روی معترضان، در ازنا، لرستان ۳ تن را کشته و ۱۷ تن دیگر را زخمی کرده اند. در همین روز جوان مبارزی در شهرستان گنار فارس نیز با گلوله جنگی مزدوران حکومتی مورد هدف قرار گرفته است.

زنان مبارز، معلمان و دانشجویان آزادی خواه!

جمهوری اسلامی به آخر خط رسیده است. بحران سرپای رژیم را فرا گرفته و کل هیئت حاکمه کشتی ورشکسته اش به گل نشسته است. در چنین وضعیتی، سرکوب و کشتار تنها سلاح باقی مانده در دست حاکمان اسلامی برای بقاء و ادامه حیات آنان است. گسترش اعتراضات و پیوستن همه گروه های اجتماعی به اعتراضات خیابانی توده های مردم ایران، تنها ابزار قابل اتکای مبارزه علیه سرکوب و کشتار است. هرچه بیشتر به صفوف جنبش مبارزاتی توده های مردم ایران ببینیم.

کارگران مبارز، پیشروان طبقه کارگر!

جامعه ایران آبستن حوادث بزرگ اجتماعی است. جنبش مبارزاتی و آزادی خواهانه مردم ایران روزهای سرنوشت سازی را می گذراند. جمهوری اسلامی در ضعیف ترین شرایط دوران حیات خود بسر می برد. اگر امروز به حرکت در نیاییم، اگر امروز اعتصابات پراکنده خود را به اعتصابات به هم پیوسته تبدیل نکنیم، اگر امروز همگام با مبارزات خیابانی توده های مردم ایران به اعتصابات سراسری روی نیاوریم، فردا شاید خیلی دیر باشد.

سازمان فدائیان اقلیت، ضمن محکومیت شدید اقدامات سرکوبگرانه و کشتار مردم مبارز توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی، همه آحاد جامعه را به مبارزه ای پیگیر و خیابانی علیه ارتجاع حاکم بر ایران فرا می خواند. پیروزی در گرو اتحاد مبارزاتی همه گروه های اجتماعی، خاصه در گرو اعتصابات متشکل، سراسری و بهم پیوسته طبقه کارگر است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۱ دیماه ۱۴۰۴

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

کمک های مالی

سونیس	
علی اکبر صفایی فراهانی	۳۰ فرانک
سیامک اسدیان (اسکندر)	۴۰ فرانک
حمید اشرف	۳۰ فرانک
محمد کاسهچی	۵۰ فرانک
امیر نوی	۵۰ فرانک

دانمارک	
هوشنگ احمدی	۲۰۰ کرون
دکتر نریمسا	۲۰۰ کرون

ایران	
آبان ادامه دارد	۱ میلیون تومان

آمریکا	
مهسا	۵۰ دلار
از سیاهکل تا حکومت شورایی	۵۰ دلار
رفیق توکل حکومت شورایی	۱۰۰ دلار
گل همین جاست، همین جا برقص!	۵۰ دلار

هلند	
داوود مدائن	۵۰ یورو

آلمان	
رفقای کارگر	۵۰ یورو
گرامی باد ۱۶ آذر روز دانشجو	۱۰۰ یورو

از صفحه ۲

جنبش توده ای چشم انتظار حضور سیاسی طبقه کارگر

پتانسیل بالای طبقه کارگر در عرصه مبارزه سیاسی از قوه به فعل درآید. باید چرخ های تولید را متوقف کرد و به اعتصاب های سیاسی و سراسری روی آورد. کارگران آگاه و پیشرو، نیروها و دانشجویان آگاه و کمونیست باید در میان کارگران آگاهی رسانی کنند، شرایط سرنوشت ساز کنونی و ضرورت فراتر رفتن از چارچوب ها و اعتصاب های اقتصادی را توضیح دهند و کارگران را به برپایی اعتصاب سیاسی و پیوستن به اعتراضات سیاسی سراسری تشویق کنند. جنبش طبقه کارگر زمانی می تواند به یک جنبش سیاسی سازمان یافته و سراسری تبدیل شود که حصارها و محدوده های اقتصادی محلی و کارخانه را کنارزند و طناب چندین ساله مبارزه صرفاً صنفی را که بر دست و پایش پیچانده شده وارهاند و یک گام اساسی و کیفی به جلو بردارد. جنگ ما در سنگر تولید، اکنون به نحو انکار ناپذیری با جنگ در سنگر جامعه پیوند خورده و به هم آمیخته است. اعتصاب و خواباندن چرخ تولید را با اعتراضات سیاسی و توده ای گره بزنیم. موقعیت حساس و در همان حال مناسب کنونی را غنیمت شمیریم. اعتصابات گسترده سیاسی را سازمان دهیم و در ادامه با قیام مسلحانه، نظم موجود و ارتجاع حاکم را برای همیشه از اریکه قدرت به زیر کشیم و حکومت شوراها را جایگزین آن سازیم.

"فقر، فساد، گرونی، می‌ریم تا سرنگونی"

تبعیض و نابرابری، علیه بحران آب، برق، انرژی و در یک کلام خیزش و جنبش و قیامی علیه یک مرگ تدریجی‌ست که جمهوری اسلامی طی ۴۷ سال بر آنان تحمیل کرده است. برخاستن و قد برخشدن چندین و چند باره مردمی رنج‌دیده برای گسستن زنجیرهای اسارت و بندگی، برای رهایی از این همه بیداد و ستمگری‌ست، که جنبانکاران جمهوری اسلامی طی سال‌های متمادی بر آنان روا داشته‌اند. نبردی دلاورانه برای تغییر وضعیت موجود، پیکاری سترک برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیتی که از آن کارگران و توده‌های مردم ایران باشد. حاکمیتی شورایی که رفاه و آسایش را برای‌شان به ارمغان آورد، آنان را به افتخار و سربلندی برساند، بیکاری را براندازد، نان را به تساوای بر سفره‌هایشان بنشاند و آزادی را در تمام شئون سیاسی و اجتماعی‌شان متحقق و تضمین کند.

با گذشت سه سال از جنبش آزادی‌خواهانه «زن زندگی آزادی»، اینبار موج جدید اعتراضات توده‌ای به بهانه بالا رفتن بی سابقه ارزش دلار، افزایش شدید قیمت کالاهای مصرفی و کاهش قدرت خرید توده‌های کار و زحمت با ترکیبی از اعتراضات همزمان کسبه و مردم در روز یکشنبه هفتم دیماه ۱۴۰۴ از بازار بزرگ تهران شروع شد. اعتراضاتی که در همان ساعات اولیه، به خیابان‌های اطراف بازار و دیگر مناطق تهران کشیده شد. اعتراضاتی توده‌ای که روز بعد و روزهای پس از آن با شعار «زننده باد آزادی»، «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» به تعداد دیگری از شهرهای ایران بسط یافت. آنچه در روز دوم و سوم این اعتراضات توده‌ای رخ داد، مطالبات عمیقاً سیاسی بود. مطالباتی که به سرعت بر بستر ناراضیاتی عمومی و انزجار عمیق مردم از حاکمیت، رنگ و بوی سیاسی گرفت و به مبارزهای رودرو علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد. مبارزهای علنی که معترضان با شعار «مرگ بر خامنه‌ای» - این مظهر حاکمیت اسلامی - را زیر آماج شعارهای کوبنده خود گرفتند. صحنه زیبای این اعتراضات عمومی، همدلی و پیوستن سریع دانشجویان مبارز و آزادی‌خواه به مبارزات مردم بود. دانشجویان دانشگاه‌های تهران از همان شامگاه یکشنبه با سر دادن شعار «زن، زندگی، آزادی»، «نه پهلوی، نه رهبری، دموکراسی و برابری»، به حمایت از مبارزات توده‌های مردم ایران برخاستند.

اینکه موج جدید اعتراضات کنونی با مطالبات اقتصادی و مبارزه علیه فقر و گرانی و تورم افسار گسیخته شروع شد، اما سریعاً به اعتراضات ضد حکومتی تبدیل شد، ریشه در تجربه ۴۷ ساله توده‌های مردم ایران دارد. اینکه شعار «فقر فساد گرونی، می‌ریم تا سرنگونی» از دل دانشگاه بیرون آمد، این بدان معناست که دانشجویان مبارز و توده‌های مردم ایران به خوبی آگاهند که با ماندگاری جمهوری اسلامی کمترین تغییر مثبتی در زندگی‌شان رخ نخواهد داد. آنان به خوبی می‌دانند که با بودن جمهوری اسلامی نه تنها هیچکدام از مطالبات

اقتصادی‌شان تحقق نخواهد یافت، بلکه با گذشت هر روز شرایط امروز زندگی‌شان به مراتب وخیم‌تر از روز قبل خواهد شد. کارگران و توده‌های زحمتکش ایران با درس‌گیری از تجارب سال‌های سپری شده به درستی می‌دانند، اگر نان می‌خواهند باید جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. اگر رفاه و آسایش و امنیت می‌خواهند، باید به حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی پایان دهند. اگر به دنبال کاهش تورم، دستیابی به تغذیه مناسب و برخورداری از دارو و درمان هستند، باید ارتجاع حاکم را براندازند. اگر خواهان پایان دادن به فقر و نداری و بیکاری هستند، باید مبارزات کنونی‌شان به سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و ایجاد تغییراتی بنیادین در جامعه منتهی شود. اگر به دنبال رفاه و تأمین اجتماعی از گهواره تا گور هستند، باید بتوانند بر ویرانه‌های جمهوری اسلامی حاکمیت شورایی کارگران و زحمتکش‌ان را مستقر سازند. لذا، آنچه اکنون در بسیاری از شهرهای ایران طنین انداز است، صرفاً غرش رعد در آسمان بی ابر جمهوری اسلامی نبود. بلکه پژواک فریاد خشم‌آلود توده‌های زحمتکشی‌ست که جمهوری اسلامی طی ۴۷ سال آنان را به اسارت و بندگی گرفته است. برآیند تمامی سال‌های سرکوب و کشتاری‌ست که سر انجام در دیماه ۹۶ به خیزشی عظیم و نبردی رویاروی با ستمگران حاکم بر ایران انجامید. خیزشی که شرایط جامعه را تغییر داد. نقطه پایانی بر دوران رکود سیاسی گذاشت و اوضاع جامعه را به یک دوران ملاحظه انقلابی کشانید. دورانی که پس از آن مبارزات مستقیم و رودرو جای مبارزات قانونی را گرفت. خیزش دیماه ۹۶ که نیروی اصلی آن جوانان بیکار و مردم اعماق بودند، به شدت سرکوب شد. اما دو سال بعد در پی گران شدن قیمت بنزین مجدداً آن جنبش با مطالبه نان در قیام شکوهمند آبان ۹۸ تجلی یافت. قیام آبان نیز پس از پنج روز به وحشیانه‌ترین شکل ممکن به خاک و خون کشیده شد. اما توده‌های مردم ایران دوباره در جنبش انقلابی نیمه دوم ۱۴۰۱ با مطالبه آزادی - در کلی‌ترین وجه آن - در مقابل ستمگران جمهوری اسلامی صف‌آرایی کردند.

خیزش انقلابی دیماه ۹۶، قیام شکوهمند آبان ۹۸ و جنبش بزرگ «زن، زندگی، آزادی» به رغم همه جانفشانی‌های زنان و مردان و جوانان و دانشجویانی که دلاورانه با جمهوری اسلامی جنگیدند، هر سه سرکوب شدند و جملگی در میانه راه از حرکت بازماندند. اما دوران انقلابی شکل گرفته از دیماه ۹۶ در جامعه تداوم یافت. لذا، بر بستر ماندگاری چنین دورانی متحول و انقلابی، همواره شرایط وقوع مجدد اعتراضات توده‌ای در چشم انداز جامعه وجود داشت. چرا که از ۹۶ به بعد بحران‌های ناعلاج موجود در جامعه نه تنها کاهش نیافتند، بلکه روز از پی روز ژرف‌تر شدند. فقر و فلاکت، گستره بیشتری یافت. گرانی به حد اعلا رسید. سفره کارگران و زحمتکش‌ان به صورت روزانه تهی‌تر شد. سال از پی سال فقر افزایش یافت و هر بار توده‌های بیشتری زیر خط فقر رفتند. تا جایی‌که اکنون متجاوز از ۸۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر

زندگی می‌کنند. میلیون‌ها تن گرسنه سر بر بالین می‌گذارند. تمام ثروت و منابع کشور در پی امیال توسعه طلبانه جمهوری اسلامی به غارت رفته است. در شرایطی که مردم ایران گرسنه‌اند، در وضعیتی که کارگران و زحمتکش‌ان زیر فشار فقر و فلاکت و نداری دست و پا می‌زنند، جمهوری اسلامی با وقاحتی تمام هرساله میلیارد‌ها دلار حاصل دسترنج همین کارگران و زحمتکش‌ان را صرف جنگ افروزی، کمک به نیروهای نیابتی و گسترش جاملبلی‌های هسته‌ای خود می‌کند. دردناک‌تر اینکه همراه با تحمیل اینهمه فجایع به مردم ایران، برای جلوگیری از اعتراضات توده‌ای، برای خاموش کردن صدای اعتراض‌شان، بی‌وقفه اعدام‌ها را گسترش، اختناق را تشدید، بگیر و ببند را افزایش و سرکوب را به کل جامعه سرایت داده‌اند.

با این همه و به رغم همه اجحافات که جمهوری اسلامی بر مردم ستمدیده ایران تحمیل کرده است، آنچه این روزها در جامعه جاری‌ست، همانا عبور توده‌های مردم ایران از دیوارهای بلند سرکوب و زندان و اعدام است. موج جدید اعتراضات، گسترش دامنه مبارزات مردم از تهران به بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ دیگر، گویای این حقیقت مسلم است که توده‌های مردم ایران با تجربه آموزی از تمام مبارزات پیشین خود، بار دیگر به نبردی سراسری با رژیم ارتجاعی و ستمگر جمهوری اسلامی روی آورده‌اند. با نگاهی به ترکیب گروه‌هایی که در کف خیابان‌ها حضور دارند، به روشنی می‌توان دید که نیروی مادی این اعتراضات، همان جوانان بیکار، زنان مبارز، دانشجویان آزادی خواه و توده‌های زحمتکشی هستند، که در جنبش ۹۶ برای کار، در قیام ۹۸ برای نان و در جنبش انقلابی نیمه دوم ۱۴۰۱ برای آزادی بپا خاستند. همان توده‌های معترض و بپا خاسته‌ای که در سه خیزش و قیام و جنبش پیش از این حماسه آفریدند، اکنون نیز در پیکاری سرنوشت ساز با شعار «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» بار دیگر قد برافراشته‌اند و برای سرنگونی ارتجاع حاکم به خیابان آمده‌اند. جمهوری اسلامی در شروع این اعتراضات کوشید تا با وعده‌های توخالی مردم معترض را آرام سازد. کابینه پزشکیان همه ترفندهای خود را بکار گرفت تا جوانان عصیانگر و مردم معترض را از کف خیابان به خانه‌هایشان بازگرداند، اما با گسترش اعتراضات توده‌ای، نقاب از چهره برکشیدند و مثل همیشه سرکوب و کشتار را پیشه کرد. روند سرکوب در ابتدا با دستگیری تعدادی از جوانان مبارز آغاز شد. دستگیری‌ها اما نتیجه‌ای برای رژیم نداشت. اعتراضات، شهرهای بیشتری را فرا گرفت. با گسترش مبارزات توده‌ای، مزدوران جمهوری اسلامی معترضان را به گلوله بستند. شهرهای فسا، کوهنشت، لردگان، مرودشت، آزنای لرستان، گنار فارس، ملکشاهی اصفهان از جمله شهرهایی بودند که نیروهای امنیتی مستقیماً به سوی مبارزان خیابانی گلوله شلیک کردند. داریوش انصاری بختیاروند، جوان ۳۷ ساله از جمله مبارزانی بود که شامگاه روز چهارشنبه در فولادشهر اصفهان با شلیک مستقیم نیروهای آدمکش جمهوری اسلامی جان باخت. وهاب قانندی و شایان اسداللهی در لرستان، خداداد



پیروز باد مبارزات قهرمانانه مردم ستمیدیه ایران

مردم مبارز ایران بار دیگر به نبردی علنی، مستقیم و رودررو با رژیم ارتجاعی و ستمگر جمهوری اسلامی برخاسته‌اند. موج اعتراضات در سراسر ایران در حال گسترش است. این مبارزات که از یکشنبه آغاز گردید تا روز سه‌شنبه به بیش از ۱۰ شهر گسترش یافته است. دانشجویان مهم‌ترین دانشگاه‌های تهران و نیز اصفهان با راهپیمایی و تجمع‌های گسترده خود به صفوف مردم مبارز علیه نظم ارتجاعی حاکم پیوسته‌اند.

موج نوین مبارزات در شرایطی آغاز شده است که توده‌های مردم ایران در وخیم‌ترین وضعیت معیشتی قرار دارند. تورم ساعت به ساعت افزایش می‌یابد. دستمزد و حقوق کارگران و زحمتکشان پیوسته کاهش می‌یابد. اکنون دیگر دستمزد و حقوق زحمتکشان فقط کفاف یک‌چهارم هزینه‌های زندگی ماهیانه را می‌دهد. متجاوز از ۸۰ درصد مردم ایران در زیر خط فقر به سر می‌برند. میلیون‌ها تن گرسنه سر بر بالین می‌گذارند. این، در شرایطی است که سرمایه‌داران و مقامات دزد و غارتگر رژیم روز به روز بر حجم سرمایه و ثروت خود می‌افزایند. در حالی که مردم ایران زیر فشار فقر و گرسنگی زندگی‌شان تباه شده است، جمهوری اسلامی هر سال میلیاردها دلار از ثروت کشور را صرف هزینه‌های جنگ طلبانه خود و کمک به گروه‌های اسلام‌گرای کشورهای دیگر می‌کند. در همین حال رژیم استبدادی و دیکتاتوری حاکم برای مقابله با مردم معترض بر ابعاد سرکوب افزوده است. هزاران تن از مردم ایران را در زندان‌های قرون وسطایی خود به بند کشیده است. اعدام‌ها را افزایش داده و در طول یک سال متجاوز از هزار و صد تن از مردم ایران را به جوخه‌های اعدام سپرده است.

اما زندان و اعدام، سرکوب و اختناق نتوانسته و نمی‌تواند مردم تحت ستم را از مبارزه برای رهایی بازدارد. مردم ایران بار دیگر با شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده‌باد آزادی‌خواهان را به صحنه نبرد با ارتجاع تبدیل کرده‌اند. کارگران و زحمتکشان! مردم ستمدیده ایران!

دامنه اعتراضات را وسعت دهید! در سراسر ایران به صفوف مبارزان در خیابان‌ها بپیوندید! اتحاد خود را حفظ کنید و کسانی را که می‌کوشند در صفوف مبارزات تفرقه ایجاد کنند، از خود دور کنید.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی یک رژیم ورشکسته است که با بحران‌های متعدد کشور را ویران و زندگی مردم را تباه کرده است. ادامه حیات این رژیم جز فلاکت و بدبختی بیشتر نتیجه‌ای نخواهد داشت. در حالی که اعتراضات در خیابان‌ها ادامه دارد، هم‌اکنون در تعدادی از کارخانه‌ها کارگران نیز در اعتصاب‌اند. کارگران باید اعتصابات را با تظاهرات خیابانی پیوند دهند. برای این که این مبارزه بتواند به پیروزی قطعی بیانجامد، نیاز به اعتصاب کارگران سراسر ایران است.

کارگران! لحظه سرنوشت‌سازی است! چرخ تولید را متوقف کنید! در کارخانه‌ها و مؤسسات خدماتی به اعتصاب روی آورید. پیروزی سرانجام از آن توده‌های مردم ایران است و شکست سرنوشت قطعی مرتجعین.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

زنده‌باد آزادی- زنده‌باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۹ دی‌ماه ۱۴۰۴

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

"فقر، فساد، گرونی، می‌ریم تا سرنگونی"

شیروانی در مردودشت، احمد جلیل و سجاد والامتش در لردگان، امیرحسام خدایاری فرد در کوه‌دشت، رضا عظیم‌زاده، فارز آقاجدی، محمد بزونه و مهدی امامی پور در ملک‌شاهی از جمله جوانان دیگری بودند که در پنجمین روز اعتراضات سراسری با شلیک مزدوران جمهوری اسلامی به خاک افتادند. کشتار جوانان مبارز هم باعث عقب نشینی مردم بپاخاسته نشد. مراسم خاکسپاری این جوانان جان باخته در مردودشت، فولادشهر، لردگان و کوه‌دشت با انبوه جمعیتی که حضور یافتند، به حرکتی اعتراضی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد.

موج نوین اعتراضات توده‌ای هم اینک هفتمین روز مبارزاتی خود را دلاورانه پشت سر گذاشته است. با گذشت هر روز شهرهای بیشتری به اعتراض برخاسته‌اند. جنین توده‌ای ایران سنگر به سنگر، شهر به شهر و منطقه به منطقه در حال پیش‌روی است. هر روز جوانان و زنان و مردم بیشتری در مقابل نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی صف‌آرایی می‌کنند. سنگربندی و نبردهای خیابانی در پاره‌ای از شهرها آغاز شده است. نمادهای سرکوب رژیم در تعدادی از شهرها به آتش کشیده شده‌اند. شعله‌های مبارزه مداوم در حال گسترش است. مردم زاهدان در نخستین جمعه موج جدید مبارزات خیابانی، با شعار مرگ بر خامنه‌ای به اعتراضات سراسری مردم ایران پیوستند. در پی گسترش اعتراضات توده‌ای، بازداشت و سرکوب و کشتار جوانان نیز شدت گرفته است. در یک هفته گذشته بیش از ده جوان مبارز با شلیک مستقیم مزدوران جمهوری اسلامی جان باخته‌اند، ده‌ها نفر به ضرب گلوله مزدوران رژیم زخمی و صدها نفر دیگر بازداشت شده‌اند. اما به رغم تشدید سرکوب و بگیر و ببند و کشتارهای تاکتونی، مبارزات خیابانی سر باز ایستادن ندارد. همه چیز گویای پیش‌روی مردم در این مبارزه است. بی تردید سرنوشت این مبارزه در گرو گستردگی آن و اقدام طبقه کارگر در مسیر سازماندهی اعتصابات سراسری است. پوشیده نیست، هرچه زنان و جوانان و مردم بیشتری به مبارزات خیابانی بپیوندند، هرچه اعتصابات کارگری گسترش یابد، روحیه نیروهای سرکوب ضعیفتر و دست جمهوری اسلامی برای سرکوب و کشتار مردم بستمز خواهد شد. در عوض با گسترش مبارزه و شروع اعتصابات سراسری، شهرهای بیشتری به نبرد خیابانی با جمهوری اسلامی کشیده خواهند شد. آن چه مسلم است، تداوم مبارزه، شکل‌گیری اعتصابات سراسری و همبستگی مبارزاتی مردم حول شعارهای معینی نظیر «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «مرگ بر دیکتاتور»، «زنده باد آزادی»، «فقر، فساد، گرونی، می‌ریم تا سرنگونی» همراه با مطالبه «کار، نان، آزادی» می‌تواند بیشترین افشار مردم ستمدیده و زحمتکش ایران را به صفوف مبارزات خیابانی بکشاند و اینبار موج جدید اعتراضات توده‌ای را به سر منزل پیروزی برای کارگران و توده‌های زحمتکش ایران رهنمون سازد.

«مرگ بر دیکتاتور» یا محو دیکتاتوری طبقه حاکم ستمگر!

حاصل این مسیر، حذف صداهای مستقل، تقدیس روایت واحد و ممنوع شدن نقد در درون اپوزیسیون است.

تجربیه تاریخی به روشنی نشان داده است: هر قدرتی که بدون سازمان‌یابی آگاهانه و مشارکت مستقیم مردم ساخته شود، دیر یا زود علیه همان مردم عمل خواهد کرد. نفی سیاست به این معنا، در نهایت نفی دموکراسی است؛ حتی اگر به نام آزادی صورت گیرد.

آلترناتیو واقعی؛ قدرت از پایین

تجربیه زیست‌های جامعه ایران، به‌ویژه برای نسل جوان، تکلیف دیکتاتوری و قیومیت را روشن کرده است. آزادی، به‌مثابه محو دیکتاتوری طبقه حاکم، به یکی از مطالبات محوری جامعه بدل شده و شکاف طبقاتی چنان عریان گشته که حتی زبان روزمره آن را بازتاب می‌دهد: تحصیل طبقاتی، اینترنت طبقاتی، زندگی طبقاتی و غیره. این سطح از خودآگاهی اجتماعی نشان می‌دهد که هر تغییر سیاسی ناگزیر باید در خدمت دگرگونی مناسبات طبقاتی حاکم باشد.

اعتراضات مردم ایران نه نوستالژی‌محور است و نه منجی‌طلب؛ بلکه محصول بحران معیشت، سرکوب، تبعیض و فروپاشی امید به آینده است. تمام جریان‌هایی که پاسخی ریشه‌ای به این معضلات ندارند، از سلطنت‌طلب و اصلاح‌طلب گرفته تا اقتدارگرا و میلغان تکنوکرات به اصطلاح «دیکتاتور مصلح»، در نهایت در برابر خود جامعه قرار می‌گیرند، نه در کنار آن، و هرگز به آلترناتیوی واقعی بدل نخواهند شد.

از این‌رو، مسئله‌ای اساسی نه صرفاً «مرگ بر دیکتاتور»، بلکه محو دیکتاتوری طبقه حاکم است؛ نه فقط در بُعد سیاسی و سرنگونی رژیم، بلکه در بنیان طبقاتی آن. این امر تنها از مسیر درهم‌شکستن شکل طبقاتی قدرت سیاسی، از طریق اعتصاب سیاسی عمومی، قیام انقلابی و ایجاد سازوکارها و تشکلهای لازم به دست توانمندترین و پیگیرترین نیروی اجتماعی یعنی طبقه کارگر و زحمتکشان ممکن است.

امروز انتخاب روشن است: یا تکرار شعار «مرگ بر دیکتاتور» و تولد دیکتاتوری تازه، یا محو دیکتاتوری طبقه حاکم ستمگر، برای همیشه. نه نجات از بالا، نه منجی، نه رهبر نمادین و نه نوستالژی گذشته، هیچ‌کدام راه رهایی نیستند. رهایی تنها زمانی ممکن می‌شود که قدرت از دست اقلیت حاکم خارج و به دست اکثریت سازمان‌یافته سپرده شود. پاسخ واقعی به دیکتاتوری، قدرت از پایین است؛ پاسخ واقعی به سرکوب، سازمان‌یابی توده‌ای است و الگوی حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان است که تنها آلترناتیو واقعی برای محو دیکتاتوری طبقه حاکم را ارائه می‌دهد.

علاوه بر تکرار برجسب‌زنی‌های نخنمای رژیم، از جمله نسبت دادن اعتراضات به «دشمن خارجی» با پروژه‌ی سازمان‌یافته‌ی بدنام‌سازی اعتراضات از طریق پیوند دادن آن‌ها با سلطنت‌طلبی نیز مواجه‌ایم. این عملیات، که با اتکا به ربات‌ها، هوش مصنوعی و رسانه‌های وابسته به قدرت‌های امپریالیستی موسوم به «رسانه‌های اصلی» پیش می‌رود، خطایی رسانه‌ای نیست؛ بلکه بخشی از تلاشی هماهنگ برای محدود کردن افق‌های ممکن قدرت سیاسی و عقیم‌سازی روند انقلابی است. مسئله اصلی برای حاکمان این نیست که اعتراض وجود داشته باشد یا نه، بلکه این است که اعتراض تا کجا پیش رود و چگونه از تبدیل آن به یک انقلاب اجتماعی جلوگیری شود. در پیشبرد این سیاست هم رژیم جمهوری اسلامی و هم اپوزیسیون راست به رغم اختلافات ظاهری همسو و مکمل یکدیگرند.

سیاست بدون مردم؛ مردم بدون قدرت

در راستای این سیاست یکی از خطرناک‌ترین تحریف‌های سیاسی شکل می‌گیرد: نفی آگاهانه‌ی سیاست به‌مثابه کنش سازمان‌یافته‌ی توده‌ها و جایگزین کردن آن با توهم تغییر از بالا. دشمنی با حزب، شورا، سندیکا و تشکلهای مستقل اجتماعی؛ حذف مطالبات مشخص و برنامه‌مند به نفع ابهام‌گویی سیاسی؛ و جانشین کردن نهادهای دموکراتیک با «رهبران نمادین»، همگی مؤلفه‌های یک منطق واحدند: **سیاست بدون مردم، و در نتیجه مردم بدون قدرت.**

این منطق، چه در سلطنت پهلوی و چه در جمهوری اسلامی، پیش‌تر آزموده شده است. در این الگو، تصمیم‌ها از بالا گرفته می‌شوند و مردم به سیاهی‌لشکر، یا در بهترین حالت به «هشت‌گزن»، «لایک‌زن» و «وکالت‌دهنده» تقلیل می‌یابند. توده‌ی مردم نه فاعل سیاسی، بلکه موضوع مدیریت سیاسی‌اند. نهایت نقش آنان، سپردن سرنوشت خود به یک «رهبر»، تکرار شعارهای «مجاز!»، یا صرفاً رفتن به پای صندوق‌های رأی، از نمایش‌های انتخابات ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی تا صندوق‌های خیالی «فراندوم» اپوزیسیون راست، است. در چنین چارچوبی، نیازی به ارائه برنامه‌ای روشن برای حل بحران‌ها وجود ندارد؛ زیرا اساساً قرار نیست مردم تصمیم بگیرند.

سکوت در برابر برنامه و سازوکار واقعی برای تسخیر قدرت توسط توده‌ی رنج و زحمت، پرده از این واقعیت برمی‌دارد که به‌ویژه سلطنت‌طلبان فاشیست‌مسلك که می‌کوشند بر موج اعتراضات اجتماعی سوار شوند، فاقد هرگونه پروژه‌ی دموکراتیک‌اند. دشمنی آنان با هر شکل از سازمان‌یابی مستقل، از حزب و شورا تا تشکلهای کارگری، زنان و دانشجویی و غیره، نه تصادفی، بلکه تلاشی آگاهانه برای خلع سلاح جامعه و هموار کردن راه استقرار دیکتاتوری‌ای دیگر است. شعارهایی چون «الان وقت حزب و برنامه نیست» یا «وحدت از هر چیز مهم‌تر است»، پوششی است برای به‌حاشی‌راندن شکاف‌های عمیق طبقاتی، جنسیتی، قومی و مرکز-پیرامون و حفظ همان مناسبات نابرابر.

بار دیگر فریاد «مرگ بر دیکتاتور» در اعتراضات خیابانی در ایران طنین انداخته است؛ فریادی که نه صرفاً انفجار خشم انباشته، بلکه نشانه‌ی بحرانی عمیق و ساختاری در مناسبات جامعه با قدرت سیاسی حاکم است. بحرانی که ریشه‌های آن در کلیت نظم مسلط اقتصادی-سیاسی تنیده شده و خود را در قالب بحران‌های مزمن معیشتی، نابرابری‌های فزاینده، انسداد سیاسی و فروپاشی افق آینده بازتولید می‌کند. بحران‌هایی که به‌سبب ناتوانی و فقدان اراده‌ی حاکمیت برای پاسخ‌گویی، از سطح نارضایتی اجتماعی عبور کرده و به بحران حاکمیت سیاسی بدل شده‌اند.

در چنین وضعیتی، اعتراضات اقشار مختلف جامعه، از کارگران و زحمتکشان تا جوانان، زنان و فرودستان شهری و روستایی، دیگر در چارچوب مطالبات پراکنده نمی‌گنجند. اعتراض از واکنش به یک سیاست یا تصمیم فراتر می‌رود و کل نظم سیاسی را هدف می‌گیرد. در این بزنگاه تاریخی، مسئله محوری دیگر «اعتراض» به‌مثابه کنش منفی نیست، بلکه مسئله آلترناتیوها و کسب قدرت سیاسی است: این‌که این قدرت به دست چه نیرویی، با چه افقی و به سود کدام طبقه سازمان خواهد یافت.

از همین‌جاست که اهمیت و در عین حال خطر شعار «مرگ بر دیکتاتور» رخ می‌نماید. این شعار، با وجود بار رادیکال خود، می‌تواند حامل یک تقلیل‌گرایی خطرناک باشد: تقلیل مسئله‌ی قدرت سیاسی به حذف یک فرد. گویی با کناررفتن «دیکتاتور»، مناسبات سلطه نیز فرو می‌پاشد. حال آن‌که دیکتاتوری نه یک انحراف شخصی، بلکه شکلی تاریخی و طبقاتی از سازمان‌یابی قدرت سیاسی است؛ شکلی که وظیفه‌ی اصلی‌اش حفظ و بازتولید سلطه‌ی اقلیت بر اکثریت جامعه کنونی است.

تمرکز اعتراضات بر یک فرد یا جناح، بدون نقد ریشه‌ای ساختار دولت و کارکرد آن در نظم سرمایه‌داری ایران، راه را برای تداوم همین مناسبات هموار می‌کند. دیکتاتوری می‌تواند تغییر چهره دهد، می‌تواند ردای قانون‌مندی بر تن کند، می‌تواند در پوشش نهادهای پارلمانی و انتخاباتی ظاهر شود؛ اما تا زمانی که قدرت سیاسی در خدمت بازتولید سلطه‌ی طبقاتی است، هیچ دگرگونی کیفی‌ای رخ نخواهد داد. در چنین شرایطی، دیکتاتوری اقلیتی بر اکثریت تداوم می‌یابد و «مرگ بر دیکتاتور» می‌تواند به‌سادگی به «زنده‌باد دیکتاتور» بعدی بدل شود.

تاریخ معاصر ایران گواه روشن این واقعیت است. قیام ۱۳۵۷ نمونه‌ای برجسته از انقلابی توده‌ای است که با مصادره‌ی قدرت سیاسی، تسخیر ماشین نظامی و بوروکراتیک توسط ضدانقلاب، و سرکوب خونین نیروهای انقلابی، به شکست انجامید. این تجربه نشان داد که سقوط یک رژیم، به‌خودی‌خود به معنای پایان دیکتاتوری نیست.

افزون بر سرکوب عریان، دولت سرمایه‌داری مدرن از مجموعه‌ای پیچیده از ابزارهای ایدئولوژیک، روانی و رسانه‌ای برای مهار اعتراضات بهره می‌گیرد. در موج‌های اخیر،

کار - نان - آزادی
حکومت شورایی

سالی پر از آشوب، بحران‌ها و تضادهای لاینحل

همچنان بالااست. میانگین نرخ رشد تورم جهانی حدود ۵ درصد، کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برابر با ۲ / ۴ درصد و آمریکا ۳ درصد بود.

با وخامت اوضاع اقتصادی و گسترش درگیری‌های نظامی، میلیون‌ها تن در سراسر جهان بر تعداد بیکاران افزوده شد.

در سال ۲۰۲۵ شکاف میان فقر و ثروت بازهم عمیق‌تر شد. هم‌اکنون ۱۰ درصد از ثروتمندترین افراد جهان حدود ۷۵ درصد از کل ثروت دنیا را در اختیار دارند. این در حالی است که نیمی از جمعیت فقیرتر جهان تنها حدود ۲ درصد از این ثروت را به خود اختصاص داده‌اند. بدین ترتیب در همه مناطق جهان یک درصد بالای جامعه، ثروتی بیش از ۹۰ درصد مردم دیگر دارند و این نابرابری مدام در حال افزایش است.

آکسفام با استناد به فهرست «فوربس» اعلام کرد که میلیاردرهای ۱۹ کشور عضو گروه بیست، سال گذشته ۲ / ۲ تریلیون دلار سود به دست آورده‌اند و مجموع ثروت آن‌ها به ۶ / ۱۵ تریلیون دلار رسیده است. این در حالی است که از جمعیت ۸ میلیونی جهان ۸ / ۳ میلیون زیر خط فقر قرار دارند.

در سال ۲۰۲۵ جنگ و درگیری‌های نظامی در مناطقی از جهان ادامه و گسترش یافت. در اروپا جنگ اوکراین همراه با تلفات و خسارات بزرگش ادامه یافت. درگیری‌های نظامی میان هند و پاکستان، تایلند و کامبوج، کوزو و صربستان، جنگ داخلی در سودان همراه با کشتارهای گسترده، اتیوپی، ادامه کشتار مردم غزه توسط رژیم نژادپرست اسرائیل، جنگ دوازده‌روزه جمهوری اسلامی و رژیم اسرائیل، درگیری‌های نپال، ماداگاسکار، کودتاها و تشنج‌های نظامی در تعدادی از کشورهای آفریقایی نمونه‌های این درگیری‌های مسلحانه بودند. با وخیم‌تر شدن شرایط معیشتی کارگران، هزاران اعتراض کارگری بزرگ و کوچک در سراسر جهان برپا گردید که مهم‌ترین آن‌ها اعتصابات عمومی کارگری در فرانسه، یونان، پرتغال و ایتالیا بود.

در این سال، بزرگ‌ترین اعتراضات جهانی در دفاع از مردم فلسطین برپا شد. میلیون‌ها تن از مردم سراسر جهان با برپایی تظاهرات و تجمع‌ها، نسل‌کشی رژیم نژادپرست اسرائیل را محکوم و از مردم غزه و فلسطین دفاع کردند.

توأم با تشدید تضاد قدرت‌های امپریالیست در سال ۲۰۲۵، شاهد رشد میلیتاریسم و افزایش سرسام‌آور هزینه‌های نظامی بودیم. تمام قدرت‌های امپریالیست جهان، آمریکا، اروپا، روسیه و چین، بودجه‌های نظامی خود را به‌شدت افزایش دادند.

حدود ۳ تریلیون دلار در سراسر جهان صرف هزینه‌های نظامی شد. بودجه نظامی آمریکا نزدیک به یک تریلیون دلار رسید. هزینه‌های نظامی چین ۲۳۰ میلیارد دلار، روسیه ۱۴۶ میلیارد، آلمان، انگلیس، فرانسه بیش از ۲۲۰ میلیارد دلار، اتحادیه اروپا ۳۸۰ میلیارد دلار اعلام شد. این هزینه‌های هنگفت نظامی قدرت‌های بزرگ جهان، درآمد مهم‌ترین انحصارات تسلیحاتی را به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار افزایش داد.

در بطن همین آمادگی‌های نظامی قدرت‌های بزرگ بود که در سال ۲۰۲۵ چین با حضور ۲۶ تن از سران کشورهای جهان به مناسبت هشتادمین سال پیروزی بر ژاپن، قدرت نظامی خود را با پیشرفته‌ترین تسلیحات، در مقابل ناتو و آمریکا به نمایش گذاشت و پیمای روشن به رقبای خود داد.

پی آمد وخامت اوضاع اقتصادی، شکست سیاست اقتصادی نئولیبرال، تشدید بحران‌های سیاسی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بود. احزاب سنتی در اروپا اعتبار خود و سیاست‌های اقتصادی‌شان را از دست دادند. کابینه‌ها متزلزل و ناپایدار شدند. در فرانسه، هلند، چک، رومانی، بلغارستان، آلمان، گرایش‌های راست افراطی و نئوفاشیست رشد بیشتری داشتند و در برخی کشورها قدرت را به دست گرفتند. نمونه آن در کشورهای اروپای شرقی بود. در برخی دیگر، کابینه‌های ائتلافی با شرکت نئوفاشیست‌ها بر سر کار آمد. اما مهم‌ترین چرخش سیاسی، قدرت‌گیری نئوفاشیسم در آمریکا با به قدرت رسیدن مجدد ترامپ بود که نه‌فقط بر سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور بلکه در مقیاس جهانی تأثیرگذار بود. از این بابت باید به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا را مهم‌ترین رویداد سال ۲۰۲۵ دانست.

ترامپ در ۲۰ ژانویه به قدرت بازگشت. با آمدن ترامپ، الیگارش‌های مالی آمریکا که تاکنون پشت‌صحنه قدرت سیاسی بود، مستقیم و علنی در جلوسحنه قدرت سیاسی و اداره دولت ظاهر شد. این، یکی از وجوه مشخصه تشدید تضادها و بحران‌های سرمایه‌داری، گرایش به ارتجاع سیاسی و نفی به اصطلاح دموکراسی است که تجلی آن را در برنامه‌های ترامپ می‌بینیم. ترامپ پنهان نکرده است که اقتصاد آمریکا با بحران جدی روبه‌روست، تورم بالا، کسری بودجه‌های بسیار کلان و بدهی ۳۶ تریلیونی نه تنها حاکی از وخامت اوضاع اقتصادی در داخل است، بلکه موقعیت بین‌المللی آمریکا را در رقابت با قدرت‌های رقیب به‌ویژه چین به شدت تضعیف کرده است.

ترامپ همین‌که به قدرت رسید بکرشته اقدامات ارتجاعی فاشیستی را به مرحله اجرا درآورد. عفو شورشیان طرفدار خود که در ژانویه ۲۰۲۱ به ساختمان کنگره حمله کردند، آزاد کردن اعضای گروه‌های فاشیست و نژادپرست «پاسداران سوگند» و «پسران مغرور»، بازگرداندن مجازات اعدام برای جرائم فدرال، برقراری تبعیض علیه دگرباشان جنسی و محروم کردن آن‌ها از شرکت در رشته‌های ورزشی به‌عنوان زن، اخراج ترا جنسیتی‌ها از ارتش، عدم حمایت الزامی مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان‌ها از ترا جنسیتی‌ها، لغو فرمان ارتقای برابری نژادی و حمایت از جوامع محروم، اعلام وضعیت فوق‌العاده به‌منظور جلوگیری از ورود مهاجران، تعلیق برنامه اسکان مجدد پناهندگان در ایالات‌متحده، حذف حق خودکار شهروندی آمریکا برای نوزادان متولد در خاک این کشور، اخراج مهاجران غیرقانونی با توسل به قدرت نظامی، گسیل‌گارد ملی به ایالات، چند نمونه آن بود. ترامپ در

ادامه سیاست‌های نژادپرستانه و فاشیستی داخلی، از هم‌اکنون در عرصه خارجی نیز سیاست‌های توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه خود را کاملاً برملا کرده است. ترامپ با این مجموعه سیاست‌های ارتجاعی فاشیستی آغاز «عصر طلایی آمریکا» و «اول آمریکا» را در این یک سال آغاز نمود. ترامپ با وضع تعرفه‌های سنگین و پناه بردن به پروتکسیونیسیم، بر سیاست اقتصادی جهانی تاکنون سرمایه‌داری جهانی، سیاست اقتصادی نئولیبرال، مرزهای باز برای سرمایه و تجارت آزاد، خط بطلان کشید. تسهیلات ویژه‌ای برای انحصارات و اشرافیت مالی آمریکا قائل شد.

سیاست‌های داخلی ترامپ در این یک سال در جهت تضعیف دموکراسی پارلمانی آمریکا بوده است. اما مهم‌تر این‌که سیاست‌های وی در عرصه بین‌المللی تأثیرات بزرگی داشته است.

ترامپ رسماً شکست و پایان نظم تک قطبی جهانی را که بازتاب شکست‌ها و بحران‌های امپریالیسم آمریکا بود اعلام کرد و نقش جدیدی برای آمریکا در جهان چندقطبی تعیین کرد. ترامپ چین را رقیب عمده و هدف اصلی استراتژی جهانی آمریکا اعلام کرد. اتحادیه اروپا که متحد همیشگی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم بود، موقعیت پیشین خود را از دست داد و زیر فشارهای سیاسی و اقتصادی ترامپ قرار گرفت. ترامپ علناً نئوفاشیست‌های اروپایی را مورد حمایت قرار داد و از موضعی نژاد پرستانه، فروپاشی اروپا را اعلام کرد. اروپا را مجبور کرد معادل ۵ درصد تولید ناخالص داخلی خود را به هزینه‌های نظامی در ناتو اختصاص دهد.

ترامپ مؤسسات و نهادهای بین‌المللی پیشین را در عمل بی اعتبار اعلام کرد. خروج از تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی، سازمان بهداشت جهانی، حقوق بشر، پناهندگان، ترک توافق‌نامه پاریس و برخی موافقت‌نامه‌ها، تحریم اجلاس تغییرات اقلیمی در برزیل نمونه‌های آن بودند. سازمان ملل با ارگان‌های تصمیم‌گیرش از نمونه شورای امنیت، مجمع عمومی، سازمان تجارت جهانی و غیره عملاً با اقدامات او اعتبار خود را در تنظیم سیاست‌های بین‌المللی سرمایه‌داری از دست دادند. ترامپ با انتشار سند راهبرد امنیت ملی آمریکا با زنده کردن دکترین مونروئه رسماً اعلام کرد، آمریکای لاتین منطقه نفوذ آمریکاست و رقبای آمریکا حق دخالت اقتصادی در آن را ندارند. بر همین اساس برای تصرف بزرگ‌ترین مخزن جهانی نفت، فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی علیه ونزوئلا را که مناسبات نزدیکی با چین و روسیه دارد تشدید کرد و به محاصره دریایی و تجاوزات نظامی برای سرنگونی مادورو روی آورد. در نخستین روزهای سال جدید با گسیل کماندوهای آمریکا به ونزوئلا، رئیس‌جمهوری این کشور را به همراه همسرش ربود و به آمریکا منتقل کرد. تلاش‌های ارتجاعی ترامپ و سیاست‌های فاشیستی او در سال جدید ادامه خواهد یافت. اقدامات ترامپ در همین یک سال تضادها را در داخل آمریکا و در عرصه جهانی تشدید کرد که باید نتایج آن را در سال جدید ببینیم.

با این شرایط بحرانی است که جهان سرمایه‌داری وارد سال جدید شده است. سالی که از هم‌اکنون تشدید و حاد شدن تضادها و بحران‌های عمیق‌تر را در سراسر جهان به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل کرده است.

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در مبارزات توده های مردم ایران



زنده باد مبارزه علیه فقر و گرانی و تورم، پیش بسوی انقلاب

طی روزهای گذشته موجی از اعتراضات توده ای در تعدادی از شهرهای ایران به راه افتاده است. این اعتراضات که از روز یکشنبه هفتم دیماه ۱۴۰۴ در پی بالارفتن بی سابقه دلار و افزایش شدید قیمت ها با ترکیبی از اعتراض کسبه و مردم از بازار بزرگ تهران آغاز شد، در همان ساعات اولیه به خیابان جمهوری و پس از آن مناطق دیگری از تهران را فرا گرفت. موج تازه اعتراضات کنونی که ریشه در نارضایتی عمومی توده ها، تنگناهای معیشتی مردم، افزایش سرسام آور تورم، ناچیز بودن دستمزد و حقوق کارگران و زحمتکشان دارد، طی روزهای دوشنبه و سه شنبه نیز ادامه یافته و با کشیده شدن به شهرهایی نظیر اصفهان، مشهد، کرج، همدان، قشم، کیش، ملارد، ممسنی و کرمان ابعاد وسیعتری به خود گرفته است.

سرعت گسترش اعتراضات مردمی از تهران به شهرهای دیگر همراه با طرح شعارهایی علیه خامنه ای و جمهوری اسلامی و حمایت سریع دانشجویان دانشگاه های تهران و دیگر دانشگاه های کشور بیانگر خشم و انزجار فرو خورده توده های زحمتکشی است که دیگر حاضر به تحمل جنایت جمهوری اسلامی نیستند. حاکمیتی مستبد و ارتجاعی که طی سال های متمادی مردم ایران را سرکوب، فقر و نداری را بر آنان تحمیل، میلیاردها دلار از دسترنج کارگران و زحمتکشان را صرف جنگ افروزی، گسترش نیروهای نیابتی و تأسیسات هسته ای خود کرده است. رژیم فاسد و ستمگر که به رغم این همه فقر و فلاکتی که بر کارگران و زحمتکشان ایران تحمیل کرده است، اختناق بی حد و حصری را بر جامعه حاکم و هر حرکت اعتراضی مردم را با بگیر و ببند و زندان و اعدام و کشتار پاسخ داده است. چنانچه در همین دو روز گذشته نیز، برای متفرق کردن توده های معترض به سوی آنان گاز اشک آور پرتاب کرده، دانشگاه ها را محاصره، معترضان را ضرب و شتم و در مواردی هم به سوی آنان گلوله شلیک کرده است.

اعتراضات روبه گسترش توده های مردم ایران در همین چند روز اخیر به روشنی نشان داده است، نه تنها کشتار و اعدام و زندان و بگیر و ببندهای سال های گذشته قادر نبوده است مردم تحت ستم را از مبارزه برای رهایی از فقر و فلاکت و تبعیضاتی که به آنان تحمیل شده باز دارد، بلکه بار دیگر آنان را با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر جمهوری اسلامی» و «زنده باد آزادی» به خیابان گشانده و خیابان ها را به میدان نبرد آنان با ارتجاع حاکم تبدیل کرده است. مهمتر اینکه با شکل گیری موج نوین اعتراضات، دانشجویان مبارز دانشگاه های تهران نیز از همان ساعات اولیه برخاستن اعتراضات خیابانی با سر دادن شعارهایی نظیر «نه پهلوی نه رهبری، دموکراسی و برابری»، «زن، زندگی، آزادی»، «نه پادگان نه بنگاه، زنده باد دانشگاه» و «دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد» صحن دانشگاه ها را نیز به مبارزات خیابانی مردم پیوند زده اند.

در این میان نیروهای اندک به ظاهر سلطنت طلب - چه بسا نفوذی های امنیتی - سعی دارند با حضور در پاره ای از اجتماعات مردم مبارز و زخم خورده از دو ارتجاع اسلامی و سلطنتی و سر دادن شعارهایی به نفع رضا پهلوی کوشیده اند تا اعتراضات کنونی مردم ایران را همانند سال ۱۴۰۱ به انشقاق و دودستگی بکشانند. از این رو جا دارد زنان، جوانان و نیروهای پیشرو با طرد و انزوای سیاست های نفوذاشیستی آنان همراه با افشای اقدامات فاشیستی اسرائیل و تلویزیون های دست راستی «من و تو» و «ایران اینترنشنال» در جعل و صداگذاری روی فیلم های مبارزات خیابانی، روند مبارزات رو به رشد کنونی را تسریع کنند. و توده های وسیع مردم ایران نیز با هر چه بیشتر پیوستن به صفوف مبارزات خیابانی، اعتراضات مردمی را وسعت بخشند، اتحاد مبارزاتی خود را بیش از پیش مستحکم سازند و کسانی را که سعی دارند با نفوذ در صفوف مبارزاتی شان تفرقه ایجاد کنند، از خود دور سازند.

مهمتر از مبارزات خیابانی توده های کار و زحمت و همبستگی دانشجویان مبارز و آزادی خواه با مبارزات آنان در روزهای گذشته، شکل گیری و گسترش اعتصابات کارگری و پیوند خوردن آن با مبارزات خیابانی توده های مردم ایران است. خواسته ای به حق که جنبش خیابانی و جنبش دانشجویی می بایست در این روزهای سرنوشت ساز از طبقه کارگر ایران مطالبه کند. آنچه طی سه روز گذشته در خیابان های بیش از ده شهر شکل گرفته است و چه بسا در روزهای آینده شهرهای بیشتری را فرا گیرد، تداوم مبارزات مردم ستمدیده ایران در دیماه ۹۶، آبان ۹۸ و جنبش انقلابی نیمه دوم سال ۱۴۰۱ است. جنبشی بزرگ و ستودنی که تا سرنوشتی جمهوری اسلامی پیش رفت، اما در فقدان حضور طبقاتی کارگران و زیر ساطور سرکوب و کشتار هیئت حاکمه از ادامه حرکت باز ماند.

تجربه جنبش بزرگ و انقلابی «زن، زندگی، آزادی» و توقف آن در میانه راه همانند مشعلی فروزان در پیشروی مبارزات کنونی مردم ستمدیده بویژه طبقه کارگر ایران است. بی تردید اگر کارگران ایران در این روزهای سرنوشت ساز در کارخانه ها و مؤسسات خدماتی، اعتصابات پراکنده خود را یکدست کنند، چرخ تولید را متوقف سازند و متحد و یکپارچه برای سازماندهی اعتصابات سراسری بپا خیزند، یقیناً اینبار این کارگران و زنان و توده های وسیع مردم ایرانند که بر ویرانه های جمهوری اسلامی جشن پیروزی انقلاب را برپا خواهند کرد.

سرنگون رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
۹ دی ماه ۱۴۰۴

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

سیاست، همان سیاست است تنها فرد دیگری بر صندلی نشست

جبران هزینه‌های دولت به بخش‌های دیگری منتقل شده‌اند. همچنین ۲۰۰ همت از بودجه عمومی برای هدفمندسازی یارانه‌ها در لایحه بودجه سال گذشته در نظر گرفته شده بود که آن هم حذف شده است.

بنابراین انتقال یارانه به انتهای زنجیره یک دروغ بزرگ است و درآمد هدفمندسازی یارانه‌ها این بار به طور مستقیم و کامل از مصرف کنندگان با افزایش بهای دلار، افزایش بهای نان و کاهش نان یارانه‌ای و بالاخره افزایش بهای بنزین با فروش "غیریارانه‌ای" به مردم تامین می‌شود.

ناترازی؟! کدام یک؟!!

در مورد مقابله با "ناترازی" بانک‌ها نیز دو نکته کافیست که دریابیم تنها در حد حرف باقی می‌ماند. اول اعتراف همتی که اکثر بانک‌ها دچار ناترازی هستند، بنابراین "ناترازی" که نام دیگر ورشکستگی بانک‌هاست یک معضل عمومی می‌باشد. دوم این‌که دولت بزرگترین بدهکار به بانک‌ها است که در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ از جمله با افزایش فروش اوراق قرضه موسوم به "اوراق مالی اسلامی" این بدهی‌ها افزوده می‌شود. چرا که خریدار این اوراق عمدتاً بانک‌ها هستند. به دلیل عدم استقبال اشخاص حقیقی، بانک‌ها موظف به خرید این اوراق می‌باشند.

هم اکنون کشور با ناترازی‌های مختلفی درگیر است که محصول سیاست‌های حکومت در طول این سال‌ها می‌باشد. برق، آب، گاز، محیط زیست، آلودگی هوا، خرابی جاده‌ها و این لیست همچنان ادامه دارد. اما مهم‌ترین ناترازی که جمهوری اسلامی نه فقط هیچ برنامه‌ای برای آن ندارد، بلکه مدام بر میزان این "ناترازی" افزوده می‌شود، ناترازی در درآمد و هزینه‌های زندگی کارگران و زحمتکشان است، شکافی بزرگ که مدام عمیق‌تر می‌شود. در حالی که نرخ رسمی تورم بالای ۵۰ درصد است و بسیاری از اقتصاددانان حکومتی نرخ تورم را بسیار بالاتر می‌دانند بویژه تورم وحشتناک اقلام خوراکی، در لایحه بودجه میزان افزایش حقوق ۲۰ درصد تعیین شده که در پی اعتراضات اخیر وعده افزایش ۳۰ درصدی داده‌اند. اما این رقم نیز نه تنها شکاف عمیق کنونی بین درآمد و هزینه‌های عموم مردم ستدیده ایران را کاهش نمی‌دهد، بلکه بر آن می‌افزاید.

واقعیت این است که تا زمانی جمهوری اسلامی بر سریر قدرت است، هیچ بهبودی نه فقط در وضعیت زندگی کارگران و زحمتکشان بلکه در اقتصاد ویران کشور نیز به وجود نخواهد آمد. از آن طرف هیچ کدام از جریان‌های بورژوازی به اصطلاح اپوزیسیون نیز برنامه‌ای برای بهبود زندگی کارگران و زحمتکشان ندارند، چرا که لازمی آن اقدامات رادیکال اقتصادی به نفع کارگران و زحمتکشان است که در ایران هیچ جریان بورژوازی نه قادر به انجام آن‌هاست و نه خواهان آن. این تنها حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان است که با اقدامات رادیکال اقتصادی برای تغییر نظم موجود، می‌تواند نقطه پایانی بر این وضعیت فاجعه‌بار بگذارد. حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان تنها آلترناتیو جمهوری اسلامی برای رسیدن به کار، نان و آزادی است.

نرخ دلار جدید افزایش می‌یابد که باز باعث افزایش نرخ تورم می‌شود. افزایش ارزش افزوده یکی دیگر از عوامل افزایش تورم خواهد بود. این یک معادله ساده است: نمی‌توان ادعای مهار تورم را داشت، اما نرخ دلار برای کالاهای وارداتی را به بالای ۱۰۰ هزار تومان و حتی بسیار بالاتر رساند. وقتی می‌توان دلار را تک نرخی کرد که اولاً نرخ تورم تک رقمی باشد مثلاً ۳ تا ۴ درصد یعنی ارزش ریل حفظ شود. دوم این که دلار و دیگر ارزهای خارجی مورد نیاز به اندازه نیاز و حتی بیشتر از نیاز در دسترس باشند. سوم رشد اقتصادی است. کشوری که با رشد منفی اقتصادی درگیر می‌باشد نمی‌تواند در چنین شرایط بحرانی به دنبال تک نرخی کردن ارز باشد، اتفاقاً به دلیل همین رکود سیاست تک نرخی کردن ارز با شکست روبرو شده و منجر به افزایش سرسام‌آور و شتابان ارزهای خارجی خواهد شد. حتی براساس آمارهای رسمی رشد اقتصادی شش ماهه اول سال جاری منفی ۸/۰ درصد بوده است.

پزشکیان و اعضای کابینه وی اولین کسانی نیستند که از تک نرخی کردن ارز صحبت می‌کنند. پیش از آن‌ها نیز در کابینه‌های مختلف این سیاست اتخاذ شد، اما همواره شکست خورد و تنها حاصل‌اش یک شوک ارزی جدید و تورمی افسارگسیخته بود.

انتقال یارانه به انتهای زنجیره، یک دروغ بزرگ

انتقال یارانه از ابتدای زنجیره به انتهای زنجیره یعنی مصرف‌کنندگان کالا دروغ بزرگ و بهانه‌ایست برای فروش دلار به نرخ بازار آزاد و یا تالار دوم مبادله طلا و ارز برای جبران بخشی از هزینه‌های دولت که نه فقط مشکلی از توده کارگر و زحمتکش کشور حل نمی‌کند، بلکه در خدمت حفظ نظم موجود و ادامه سیاست‌های نظامی‌گرایانه رژیم است. این واقعیت به وضوح در لایحه بودجه ۱۴۰۵ آمده است. تمام بودجه هدفمندسازی یارانه‌ها از مابه‌التفاوت فروش ارز به نرخ تالار مبادله با ارز ترجیحی، و فروش بنزین و آرد با نرخ غیریارانه‌ای بدست می‌آید. کل بودجه یارانه نقدی و کالا برگ در سال جاری ۳۲۴ همت بود که در لایحه اخیر حدود ۱۵۰ همت افزایش یافته است. این در صورتی است که درآمد هدفمندسازی یارانه‌ها تنها از محل حذف ارز ترجیحی بالغ بر ۵۷۲ همت است. درآمد هدفمندسازی یارانه‌ها از فروش بنزین غیریارانه‌ای نیز ۵۴۸ همت برآورد شده است. در این میان بودجه هدفمندی یارانه‌ها به بخش سلامت تنها ۱۳ درصد افزایش یافته که با تورم بخش درمان (از جمله بهای داروها) قابل مقایسه نیست.

نکته بسیار مهم این است که ردیف‌هایی که در بودجه ۱۴۰۴ به عنوان درآمدهای هدفمندسازی یارانه‌ها در نظر گرفته شده بود، هیچ کدام در لایحه بودجه ۱۴۰۵ نیامده و این درآمدها برای

بر جامعه بوده و بس. اما واقعیت این است که اوضاع برای رژیم بسیار بدتر از آن است که بتواند با این تغییر زمان بخرد و چند صبحی بر عمر خود بیافزاید.

بحران اقتصادی رکود - تورمی و نحوه برخورد حاکمیت با آن

مسعود پزشکیان ۱۱ دی‌ماه در نشست مقامات حکومتی در چهارمحال و بختیاری گفت: "ما دیگر دلار ۲۸۵۰۰ تومانی برای واردات نهاده نمی‌دهیم. بروند با ارز آزاد وارد کنند. ما یارانه را حذف نمی‌کنیم. یارانه را به انتهای زنجیره منتقل می‌کنیم و به مصرف‌کننده نهایی می‌دهیم".

سیاست‌های اعلام شده از سوی همتی همان سیاست‌هاییست که بارها از دهان پزشکیان از جمله در ۱۱ دی‌ماه بیرون آمد و هیچ چیز جدیدی در آن نیست. پیام این سیاست‌ها نیز همان پیام آشکار لایحه بودجه ۱۴۰۵ است: افزایش شتابان گرانی، تورم، بیکاری و رکود.

تمام حرف‌های همتی در مورد تک نرخی کردن ارز، معضل ناترازی بانک‌ها و غیره در زمان ریاست فرزین نیز زده می‌شد. برای نمونه کابینه چندی پیش مصوبه‌ای ۱۷ بندی برای "مدیریت بازار ارز" داشت که محصول تصمیمات وزارتخانه‌ها و سازمان‌های اقتصادی جمهوری اسلامی بود. مدنی‌زاده وزیر اقتصاد کابینه ۵ دی‌ماه در این رابطه گفت: "ما یک مصوبه ۱۷ بندی در مجموعه دولت داشتیم که مربوط به مدیریت بازار ارز است و در آن بر ضرورت مداخله بانک مرکزی در جهت ساماندهی این بازار از طریق تالار دوم اشاره شده است تا بتوان از این طریق افسارگسیختگی نرخ ارز را کنترل کرد". همان روز رسانه‌ها از تصمیم کابینه برای حذف تالار اول مبادله طلا و ارز و انتقال تمام مبادلات به تالار دوم خبر دادند و این باز همان چیزی است که همتی پس از جلسه کابینه به عنوان حذف رانت ارز از آن یاد کرد.

اما چگونه می‌توان از سویی مدعی کنترل تورم شد و از طرف دیگر خرید و فروش دلار برای کالاهای وارداتی (از اساسی تا غیره) را به تالار دوم مرکز مبادله منتقل کرد که در روز شنبه به صورت اسکناس ۱۲۶ هزار تومان و حواله ۱۳۱ هزار تومان بود؟! برآستی کدام شعبده‌باز از پس این کار برمی‌آید؟ آن هم در کشوری که اکثریت بزرگ صنایع به واردات مواد اولیه، قطعات و ماشین‌آلات به خارج از کشور وابسته هستند. برای نمونه به دلیل عدم تخصیص ارز برای روغن خام، کارخانه‌های تولید روغن نباتی تعطیل و یا نیمه تعطیل شده‌اند و قیمت روغن‌نباتی سر به فلک کشیده است. وضعیت کارخانه‌های داروسازی و بهای دارو نیز همین گونه است. اما رکود و تعطیلی فقط به این دو رشته خلاصه نمی‌شود. از کارخانه‌های تولیدکننده مواد شوینده تا لاستیک خودرو تا دامداری‌ها و کارخانه‌های لبنیات همه با معضل کمبود مواد اولیه و رکود روبرو هستند.

براساس لایحه بودجه هزینه‌های گمرکی نیز با

سیاست، همان سیاست است تنها فرد دیگری بر صندلی نشست

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)
نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب
بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه
کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های
سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توییتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1152 January 2025

از نشست کابینه، گفت: "دلیل تورم کسری بودجه است. با ناترازی بانک‌ها برخورد می‌کنم. اکثر بانک‌ها ناتراز هستند. فساد و رانت ناشی از چند نفری بودن ارز را جمع خواهیم کرد. همه ارزهای صادراتی را باز می‌گردانم". کاریکاتور "سوپرمن" که با شعار نجات اقتصاد برای چندمین بار وارد میدان شده، به گفته‌ی رئیس "اتاق اصناف ایران" قول داده است نرخ ارز را شش ماه تا یکسال ثابت نگه دارد. همتی حدود ۳۰ سال (از زمان مدیرعاملی بانک سینا) تاکنون در مصادر مهم دولتی همچون مدیرعاملی بانک ملی، ریاست بیمه مرکزی، رئیس کل بانک مرکزی، وزیر اقتصاد و دارایی و بالاخره ریاست مجدد بر بانک مرکزی، مجری سیاست‌های اقتصادی رژیم بوده و در تدوین آن‌ها مشارکت داشته است. اما این تنها سابقه‌ی او نیست که ریاکاری‌های او را برملا می‌سازد، بلکه سیاست‌هایی را که برای تحقق وعده‌های وی برای کنترل تورم و نرخ ارز اعلام کرد، نشان می‌دهد که تنها هدف رژیم از تغییر رئیس کل بانک مرکزی ایجاد تاثیر روانی

در صفحه ۹

سخنگوی کابینه در رابطه با انتصاب همتی در شبکه ایکس نوشت: "ایشان سه محور را برای برنامه‌های خود اعلام کردند: مهار تورم، کنترل نرخ ارز از طریق برچیدن فساد و رانت ارز چند نفری، مدیریت ناترازی بانک‌ها و جلوگیری از رشد اضافه برداشت".

براستی اگر همتی نسخه مشکلات ساختاری اقتصاد ایران را در جیب داشت، چرا وضعیت اقتصادی ایران به این جا رسیده است؟ چرا سال‌ها حضور او در پست‌های مهم دولتی نه تنها هیچ نتیجه‌ی مثبتی نداشت، بلکه ادامه وضع موجود بود؟ کدام سیاست اقتصادی قرار است تغییر کند که به رفع معضلات ساختاری و بزرگ اقتصاد ایران منجر گردد؟ مگر قرار است بودجه فاجعه‌بار سال ۱۴۰۵ از نو نوشته شود و این بار به نفع کارگران و زحمتکشان؟!

همه چیز حکایت از آن دارد که نه فقط هیچ چیزی تغییر نخواهد کرد، بلکه "در همچنان بر همان پاشنه خواهد چرخید" و شرایط معیشتی کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه با سرعتی بیشتر رو به وخامت خواهد گذاشت. همتی در اولین گفتگوی خود با خبرنگاران پس



تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای
زحمتکش و ستم دیده ای است که برای
آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، رفقا و همراهان گرامی

بدین وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی از ماهواره آلترناتیو شورایی از تاریخ جمعه اول فروردین ۱۴۰۴ تغییر خواهد کرد. ساعات جدید پخش برنامه‌های ما از اول فروردین بدین قرار است:
تلویزیون دمکراسی شورایی برنامه‌های روزانه خود را به مدت ۹۰ دقیقه در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت نه و نیم تا یازده شب به وقت ایران پخش می‌کند و تکرار این برنامه‌ها در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه خواهد بود. تکرار برنامه‌ها از ساعت نه و نیم تا یازده صبح، سه و نیم تا پنج عصر و یازده تا دوازده و نیم شب به وقت ایران است. روز یکشنبه نیز برنامه ما به مدت یک ساعت از ساعت ده و نیم شب تا یازده و نیم خواهد بود. در روز دوشنبه سه بار نیز برنامه یکشنبه بازپخش می‌شود. برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه تلویزیون آلترناتیو شورایی از ماهواره "پاه ست" [Yahsat] پخش می‌شود.

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می‌توانید از سایت سازمان فدائیان (اقلیت)، شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک، تلگرام، اینستاگرام، یوتیوب سازمان فدائیان (اقلیت) و تلویزیون دمکراسی شورایی نیز دنبال کنید.

آدرس تلویزیون دمکراسی شورایی در شبکه‌های اجتماعی:

یوتیوب: tvshora1349، اینستاگرام: tv_shora، فیس‌بوک: tvshora، تلگرام: tvshora

شماره واتساپ برای پیام‌های صوتی و نوشتاری
(0031644664405) ۰۰۳۱-۶۴۴۶۶۴۰۵

آدرس تماس ای میل: tvshorashora@gmail.com

سایت تلویزیون: www.Tvshora.com

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی